

## بسمه تعالی

درس حقوق اساسی / رشته مدیریت

فصل چهارم / اصل تفکیک قوا

از آنجایی که حقوق اساسی تنظیم کننده‌ی روابط شهروندان و حاکمان است، در راستای کنترل قدرت حاکم، اصلی در حقوق اساسی وجود دارد به نام اصل تفکیک قوا. این اصل با پذیرش تقسیم و توزیع قدرت به اشکال مختلف با توجه به ساختار نظام سیاسی در هر جامعه متفاوت عمل می‌نماید اما نبایستی این مهم را فراموش کنیم که مهم نتیجه‌ی مطلوب در هر جامعه است.

### گفتار اول: مفهوم تفکیک قوا

اندیشه تفکیک قوا در راستای تعیین حدود قدرت سیاسی در چهارچوب منافع ملت شکل می‌گیرد و این تفکیک در مسیر تثبیت نظام مردم سالار است. تدبیر نظام مردم سالار جهت جلوگیری از تمرکز قدرت سیاسی در دست فرد یا گروهی از افراد خاص می‌باشد. در واقع تفکیک قوا توزیع قدرت را به همراه دارد و به بیان ساده واگذاری قوای اصلی حکومتی در دست سه قوه س اصلی : مقننه (قانون گذاری)، مجریه (دولت به معنای خاص) و قضاییه (نهاد قضاوت و دادرسی) و نهاد های دیگر است. این اصل به منظور حفظ تعادل و توازن شکل گرفته و چند هدف را دنبال می‌نماید.

- 1- محدودیت، 2- توزیع، 3- کنترل، 4- جلوگیری، 5- تقسیم وظایف، 6- عدم سوءاستفاده، 7- شفافیت، 8- پاسخگو بودن، 9- صیانت، 10- تسهیل.

## گفتار دوم: نظریات

همانگونه که عنوان شد هر جامعه با توجه به ارزش‌های تعریف شده اصول حاکم بر نظام حاکمیتی را تبیین می‌نماید که خلق این ارزش‌ها بیشتر برگرفته از نظرات و دیدگاه‌های اندیشمندان همین حوزه است که از آن به دکتترین یاد می‌شود و هر اندازه پیشرفت و طرفدار داشته باشد و در حوزه عمل از آن به کار گیرند تحت عنوان نظریه و یا مکتبی خاص مورد استناد قرار می‌گیرد. در مورد دکتترین و تأثیر آن که در فصول گذشته به آن پرداخته شده است.

## مبحث اول: ارسطو

اولین و مشهورترین فیلسوف تاریخ و یونانی است. اثر معروف آن به نام **سیاست** بیان کننده‌ی دیدگاه‌های سیاسی و فلسفی است.

اهم نظرات **ارسطو**: هر دولت دارای سه قدرت است، 1- قانونگذار خردمند، که حق شور و تصمیم‌گیری کارهاست، 2- مجریان قانون و روش انتخاب آنان، 3- فعالیت‌های دادرسی.

مرز مشخصی بین قوای حاکم وجود ندارد و از نظر وی می‌توان قائل به اختلاط قوا شد یعنی نوعی تداخل وظایف در بین قوا وجود دارد.

## مبحث دوم: جان لاک

- فیلسوف و اندیشمند انگلیسی با اثر مشهور **رساله‌ی در باب حکومت مدنی** است که تلاش در عدم تمرکز قدرت در گروهی خاص داشت. وی اعتقاد داشت حق قانونگذاری و اعمال وظایف قوه‌ی مقننه و اجرائیه به پیکره سیاسی مردم انتقال یابد. ایشان قائل به تفکیک قوا و عدم تمرکز قدرت بودند و سه قوه‌ی مقننه، مجریه و متحده (**فدراتیو**) از تقسیم بندی‌های نظام حاکمیتی ایشان است.

## نکات مهم اندیشه ی جان لاک:

قوه مقننه حق دارد نیروی **جمهور** را به دلخواه در جهت حفظ و حراست جامعه به کار گیرد. نیروی جمهور بایستی مداومت داشته باشد. قدرتی پیوسته به صورتی فعال در اجرای قانون اهتمام ورزد و قوه مقننه و مجریه غالباً منفک هستند. این تفکیک قوا به علت ضعف انسان و سوء استفاده از قدرت است. در جهت محدودیت قدرت باید تابع و مطیع **قانون طبیعت** باشیم. یعنی آن قانونی که از اراده خداوند است و در اصل طبیعت و خواست نوع بشر است. قوه متحده از نظر ایشان اقتدار اعلان جنگ، عقد صلح و قراردادهای بین‌المللی است. وظیفه قضا از دیدگاه ایشان خارج از عملکرد سیاسی و حکومتی است.

## مبحث سوم: شارل دومنتسکیو

فیلسوف فرانسوی و علاقه مند به نظام سلطنتی، اثر مشهورش **آن روح القوانين** است. اهمیت زیادی به آزادی قائل بود و **آزادی** را آن چیزی میدانست که **قانون** روا داشته. فلسفه حکومت از دیدگاه ایشان آزادی ایست که اعتبارش از قانون گرفته شده. نظریه وی حول محور **آزادی سیاسی** و پاسخ به چگونگی کسب آن دور میزند. از نظر ایشان آزادی در حکومت های میانه‌رو قابل مشاهده است نه افراطی. زمانی آزادی شکل می‌گیرد که قوای حاکم از یکدیگر منفک باشند. پایه های آزادی بر نظم، قانون و حکومت عقلانی استوار است.

ضابطه قوای حاکم از دیدگاه دومنتسکیو: 1- قوه مقننه و وضع قانون توسط پادشاه یا قانونگذاران، 2- قوه اجرا کننده امور مربوط به حقوق بین‌المللی و امنیت خارجی، 3- قوه ی مجریه که متصدی حقوق مدنی است و قضاوت بین اختلافات را بر عهده دارد (دادرسی و همان قوه قضاییه).

توجیه دومنتسکیو در خصوص نظریه تفکیک قوا در نظام سیاسی:

اختلاط قوا آزادی در بر ندارد و وضع قوانین جابرانه برای مجری و قاضی اقتدار به همراه می آورد.

توصیه منتسکیو به حاکمان:

1- قوای متمایز و منفک، 2- ارکان و سازمان های مناسب، 3- طراحی دستگاه و عدم تجاوز از اختیارات.

واضعان قانون اساسی آمریکا و انقلابیون فرانسه از کتاب روح القوانین منجر به روابط قوا و کاملاً مستقل از یکدیگر شد. رژیم ریاستی در آمریکا با توجه به اصطلاح تفکیک قوا به طور مطلق از منتسکیو اخذ گردید. در واقع جوهر تئوری تفکیک قوای منتسکیو اولاً منجر به برتری قوه‌ای بر قوه دیگر نمی‌شود، دوم همه قوا در برابر یکدیگر پاسخگو هستند و سوم در چهارچوب قانون عمل می‌نمایند و **چهارم** هر یک از قوا جلوی زیاده‌روی یکدیگر را سد می‌کنند. به زبان ساده تقابل و تعادل را همزمان دارند.

#### مبحث چهارم: ژان ژاک روسو

اندیشمند انقلابی قرن 18 در ژنو و مبارز با دیکتاتوری پادشاهان اروپایی، تاثیرگذار بر انقلاب فرانسه و جنبش های دموکراتیک در غرب، الهام از نظام فکری حقوق طبیعی، کتاب معروف **قرارداد اجتماعی**. این اندیشمند بهترین نوع حکومت را دموکراسی میدانند و یک قرارداد اجتماعی جامعه سیاسی را بوجود آورده و قدرت از سوی هیأت حاکمه (مردم و حاکم واقعی که مردم هستند) در قالب قوه مقننه تجلی می‌یابد. برتری مردم و نهادینه شدن آن در هیأت حاکمه.

روسو اعتقاد داشت حاکمیت از سوی مردم در قوه مقننه متجلی می‌شود و هرچند تفکیک قوا دارای اهمیت است اما تفکیک مقننه و مجریه جنبه افقی ندارد بلکه به صورت **عمودی** است.

تفکرات روسو در خصوص اصل تفکیک قوا، رژیم پارلمانی و تفکیک نسبی قوا را منجر شد. ایشان اعتقاد داشتند دو چیز جمع نمیشوند، قوه ی مجریه (اداره ی امور دولت) و قوه ی قضاییه (اجرای عدالت)

## گفتار سوم: نتایج نظریات تفکیک قوا

### مبحث اول: تفکیک افقی و مطلق قوا

- تفکیک افقی یا سیستم تعادل و توازن: سیستم تعادل و توازن قوا، دستاورد منتسکیو، وظایف تخصصی و مستقل، عدم تبعیت سازمانی از یکدیگر، سیستم توازن و تعادل، ارتباط و تعامل و همکاری و مشارکت بین قوا.

- تفکیک افقی و مطلق قوا: موریس دوورژه تفکیکی افقی و مطلق قوا کار تخصصی دستگاه های کارگزار، عدم دخالت در کار یکدیگر، وضع قانون بوسیله مجلس، مجری قانون توسط قوه مجریه، استقلال دستگاه های عامل قوا و عدم برتری نسبت به یکدیگر.

### مبحث دوم: تفکیک عمودی و نسبی قوا

متأثر از روسو، قدرت متعلق به مردم، انتقال قدرت از طریق قوه مقننه به سایر قوا، قوه مجریه تحت نظر قوه مقننه، سپردن قدرت به نمایندگان پارلمان، عدم استقلال و انفصال قدرت در قوه مجریه، تسلط قوه مقننه بر مجریه، استخراج همکاری قوا از این نظر.

- ویژگی ها و خصایص:

- 1- تمایز بین وظایف، 2- عدم تخصص گرایی، 3- تاثیر مستقیم و غیر مستقیم قوا بر یکدیگر،
- 4- پارلمان پاسخگو به مردم و دولت پاسخگو به پارلمان.

## گفتار چهارم: انواع رژیم های سیاسی از منظر تفکیک قوا:

### مبحث اول: رژیم ریاستی

متاثر از نظام تفکیک مطلق قوا، اختیارات ویژه و مستقل رئیس جمهور، انتخاب مستقیم رئیس جمهور توسط مردم، انتخاب نماینده قوه مقننه توسط مردم، **تجلی حاکمیت ملی** در دو نوبت یعنی انتخاب رئیس جمهور و پارلمان که هر دو دارای پشتوانه ی سیاسی و آرا مردم هستند. نمونه بارز آن نظام حاکمیتی امریکا که با سیستم تفکیک نسبی قوا پیش رفته است و خصایص آن:

1- قوه مجریه یک رکنی، 2- تفکیک قوا بین مقننه و مجریه به شکل مطلق، 3- عزل و نصب وزرا توسط رئیس جمهور.

- استثنائات حاکم بر نظام ریاستی امریکا در راستای ایجاد همکاری و تعامل بین قوا:

- 1- ارسال پیام سالانه به کنگره، 2- امضاء و عدم امضاء قوانین مصوب یا حق وتوی تعلیقی،
- 3- تحریک افکار عمومی، 4- تصویب قوانین مالی و مالیاتی، 5- تأیید یا عدم تأیید برخی مقامات، 6- تحقیق و تفحص، 7- پیگیری جرایم.

### مبحث دوم: رژیم پارلمانی

متاثر از اندیشه ی روسو، اصل تفکیک نسبی قوا، برتری خاصی توسط قوه مقننه بر قوه مجریه، تجلی حاکمیت مردم در قوه مقننه و انتقال به قوه مجریه از همین مسیر.

ویژگی اساسی این رژیم: 1- حاکمیت مردم به پارلمان و از پارلمان به قوه ی مجریه، 2- همکاری قوا، 3- تعادل قوا.

- مهمترین کشور از لحاظ اداره پارلمانی انگلستان میباشد، مصادق عینی آن:

1- حاکمیت مردم از طریق انتخابات و اخذ رای اعتماد، 2- قوه ی مجریه دو رکنی، ریاست کشور نهاد سلطنت و شخص اول مملکت، نخست وزیر رئیس قوه مجریه و کابینه، 3- معرفی نخست وزیر توسط رئیس کشور، 4- اخذ رای اعتماد کابینه از پارلمان، 5- مسئولیت سیاسی نخست وزیر در برابر پارلمان، 6- درخواست انحلال مجلس عوام از رئیس کشور، 7- پیگیری جرایم اعضای کابینه از سوی مجلس عوام، 8- حق شرکت در پارلمان توسط اعضای کابینه.

#### مبحث سوم: رژیم نیمه ریاستی و نیمه پارلمانی

تلفیقی از رژیم پارلمانی و ریاستی است، قوه مجریه دو رکنی، رئیس جمهور و نخست وزیر، رأی اعتماد به کابینه، دارای مسئولیت سیاسی نسبت به پارلمان از طرف کابینه.

- فرانسه مظهر چنین رژیم و خصوصیات آن:

1- رئیس جمهور، رئیس کشور و رئیس قوه ی مجریه، 2- نصب نخست وزیر و تشکیل کابینه، 3- پاسخگویی در برابر رئیس جمهور و مجلس توسط اعضای کابینه، 4- نقش پررنگ در وضع قوانین توسط قوه مجریه، 5- شرکت در جلسات پارلمان، 6- انحلال مجلس ملی.

کشور ایران دارای نظام نیمه ریاستی-نیمه پارلمانی است (البته با برتری پارلمان) رئیس کشور تحت نفوذ قوه مقننه نیست و رئیس جمهور در برابر پارلمان دارای مسئولیت سیاسی هستند. قوه مقننه قابل انحلال توسط قوه مجریه نیست. همکاری بین قوه مجریه و مقننه در قانونگذاری با ارسال لایحه.